

پرورش یافته با پورن



Ketabton.com

ترتیب: م. احمدی

سال: ۱۴۰۱ هـ ش

بسم الله الرحمن الرحيم

دن الندر (DAN ALLENDER) روان شناس!

ترک اعتیاد جنسی: یکی از مزایای معصومیت توانایی داشتن دنیایی است که امن باشد، تا بتوان در آن بدون تهدید و خطر بازی کودکانه را تجربه کرد. اتفاقی که با پورنوگرافی کردن، و یا دنبال کردن تمایلات جنسی، اشکالی که به بی راهه رفتن و نقض آن رخ می دهد، این است که شما ناگهان متوجه می شوید؛ که دنیای موازی در کنار شما وجود دارد. و اگر از این در عبور کنید، هیچ چیز مثل قبل نخواهد شد.

رابرت وایز (ROBERT WEISS) درمان گر اعتیاد جنسی!

زمانی که طفل بودم و به غنچه گل سفیدی نگاه می کردم را به یاد میاورم، و فکر می کردم چقدر زیباست، و به یاد می آوردم که چطور فکر می کردم: خوب می خواهم غنچه گل باز شود، پس همه گل برگ هارا به عقب می کشیدم و می خواستم گل برگ ها مثل گل سفید مرسل باز شوند. حالا می فهمم که نمی توان آن را مجبور کرد. این اتفاق زمانی رخ می دهد که آن گل برای باز شدن آماده باشد.

و زمانی که در حال تغذیه و پرورش است، باز می شود؛ و این بسیار شبیه تمایلات جنسی در کودک و نو جوان است. می دانید؛ اگر سعی کنید آن گل برگ ها را زود باز کنید، باز هم رشد می کنند و باز می شوند، اما آسیب می بینند. و همان چیزی که در قبل بودند، هرگز نخواهند ماند.

ریچی (RICHELIE)

وقتی بزرگ شدم پدرم در شهر بنای یک کلیسای کوچک را نهاد، در آن شهر همه همدیگر را می شناختند، ما همیشه در جاده ها با بچه های همسایه فوتبال و بازی های مشابه می کردیم. ما در میدان بازی بودیم که یکی از دوستانم برایم گفت: هی ریچی می خواهم یک تصویر را برایت نشان دهم، او عکس یک

دختر برهنه را برایم نشان داد. این احساسات در بدنم می گذشتند و من حتی از زبان و یا آنچه که می بایست آن هارا بنامم، آگاه نبودم. من هرگز آن تجربه را فراموش نکردم، و در قلبم نقش بست. یک هفته بعد یک روز که من در حال بایسکل رانی بودم، و نه دانستم که آن کاغذ تصویر از حویلی ما سر درآورده بود، به جای که کاغذ افتاده بود رفتم، برداشتم و دیدم که یک صفحه کامل بود مثل اینکه کسی آن را از مجله (پلی بای) بیرون آورده بود، و من گفتم: این خودش است! این شانس من است که برای خودم پورنوگرافی کنم! بنابر این در واقع آن مجله را تا کردم و در جیبم گذاشتم، و در اُتاقم پنهانش کردم. هر شب در وقت خواب آن مجله را بیرون می آوردم، دَر را قفل می کردم و آن تصاویر را تماشا می کردم. حالا به یاد می آورم که در طفولیت ساعت ها به آن تصاویر نگاه می کردم.

از آنجا بود که پورن تمام متن های ذهنی در مورد ارتباط با جنس مخالف را برایم ایجاد کرد، بنابراین به یاد می آورم که می خواستم دختران را تعقیب کنم، و نمی دانستم که چطور به آن ها نزدیک شوم، نمی دانستم که چطور حتی با آن ها مکالمه را شروع کنم. تنها چیزی که می دانستم این بود، که به یک اتاق برویم و رابطه جنسی را برقرار کنیم. بنابراین من اصلا چطور می خواستم مکالمه را شروع کنم؟؟ بنابراین من فقط شکلی از یک فرد خجالتی خواهم بود؛ اما همه این ها فقط یک دستکاری هستند. و به این ترتیب فهمیدم که این یک دستکاری است، بنابراین وقتی برای اولین بار رابطه داشتم، یادم می آید که فکر می کردم: که امیدوارم او با من خوب باشد؛ بنابراین می توان اعتماد او را جلب کنم و سپس می توانم ادامه دهم و فقط کاری را که می خواهم انجام دهم به آن برسم، درست چیزی که در عکس ها دیده بودم.

بر اساس نظر سنجی سال ۲۰۰۰ اکثریت بچه ها در ۱۳ سالگی در معرض پورن قرار می گیرند و برخی ها هم زود تر در ۷ سالگی!

اغلب اوقات این غیر عمد یا ناخواسته بوده!

رابرت وایز (ROBERT WEISS) درمان گر اعتیاد جنسی!

اسناد خوبی وجود دارد که نشان می دهد: افراد در سنین پایین در معرض پورنوگرافی و تصاویر جنسی صریح قرار می گیرند، که بیشتر احتمال دارد که این رفتار آن ها اجباری شود و مشکل اعتیاد در تمایلات جنسی در سنین بالاتر برای شان وجود دارد. بخاطری که آن کودک ۹ ساله رشد عاطفی و بیولوژیکی را ندارد، که متوجه مفهوم تمایلات جنسی شود و درکش کند. این موضوع فوق العاده برایش شگفت انگیز، سرگرم کننده و حواس پرت کننده است. و نگاه کردن حس خوبی برایش دارد، اما مغز آن ها واقعا برای مقابله با آن آماده نیست.

ویلیام استاترز (WILLIAM STRUTHERS) نویسنده کتاب (تنیده شده در صمیمیت)

تمایلات جنسی با ما تنیده شده است، بیشترین اندام جنسی بین گوش های ماست نه پاهای ما، بناء وقتی شما مغزتان را فقط جنسی به بار میارین، اتفاقی که می افتد اینست، که پورنوگرافی شروع به ساختن سناریوی خودش در مغز می کند، این چیز است که ما باید در موردش فکر کنیم، و وقتی یک جوان مطالب مستهجن را مشاهده می کند، از نظر عصبی شروع به گذاشتن آجر در این دیوار می کند و ساختن، صرفا معنای ساختار جنسی را برایش دارد.

گری ویلسون (GARY WILSON) نویسنده کتاب (مغز شما در پورن)

مغز یک نوجوان، یک مغز بالغ با تجربه کمتر نیست، این مغز در مکان منحصر به فرد است؛ که از نظر تشریحی، فیزیولوژی و بیولوژیکی متفاوت است.

و آنچه در دوران نوجوانی رخ می دهد: چندین تغییر مغزی است که هدفی دارد و این هدف اینست که: در مورد احساسات و پاداش ها در مورد رابطه جنسی هیجان زده شویم. و این باعث تنیده شدن این موضوع یا ارتباط درست با آن (سکس) در درون ما می شود. در واقع ساختار مغز را تغییر میدهد، تا به محیط متصل شود و این با اتصالات عصبی رخ می دهد و نشان داده می شود. روش که اعصاب به هم متصل و درهم تنیده می شوند، در واقع پایه و اساس همه یادگیری ها و به خاطر سپردن هاست.

بنابر این چیزی که اتفاق می افتد در حدود ۱۱ سالگی است مغز نوجوان این ارتباطات را قطع می کند، تا زمانی که شما با ارتباطاتی که شاید تا آخر عمر باقی خواهند ماند آماده شوید.

دونالد هیلتون (DONALD HILTON, M.D) جراح اعصاب!

پورنوگرافی آموزگار و مدل ساز الگوهای جنسی است، به ویژه زمانی که آن ها در مراحل اولیه مدل سازی می شوند، به خاطر اینکه این یک دستگاه عصبی پلاستیسیته ی قدرت مند است. نوروپلاستیسیته به این معناست که مغز ما تغییر می کند، و وقتی که ما بخواهیم یاد بگیریم تغییر می کنیم، و اکنون آن را می توانیم در پورنوگرافی ببینیم، افرادی که به طور اجباری پورنوگرافی می کنند مغز شان با مغز های که این طور نیستند، متفاوت به نظر می رسد.

ارنی آلن (ERNIE ALLEN) نماینده سابق!

یک محقق برجسته اخیراً به من گفت: ما در بحبوحه ی بزرگترین آزمایش غیر قانونی در تاریخ بشر هستیم. و چیزی که او در موردش صحبت می کرد؛ غرق شدن مغز کودکان خردسال با محتوای بود که آن ها آماده گی مقابله با آن را ندارند، و کاری که انجام می دهند (صنعت پورن) عادی سازی رفتاری است که قرار است تاثیر گذار باشد، به ویژه روی پسران جوان که بر دیدگاه آن ها بر روی زنان، بر روی روابط و دیدگاه شان نسبت به دنیا تاثیر گذار می گذارند.

تیلور (TAYLOR)

چند سال پیش وقتی ۱۶ ساله بودم با یک پسر قرار گذاشتم و هر دو باکره بودیم شاید یک ماه بعد از رابطه ی ما باهم، ما به رابطه ی جنسی پایان دادیم. صبح روز بعد او گفت: هی من می خواهم یک چیزی برایت نشان دهم، ما پورن تماشا می کردیم؛ و من هرگز پورن ندیده بودم و من تا آن زمان حتی نمی دانستم همچنین چیزی هم وجود دارد. همان موقع بود که من متوجه شدم که او همیشه پورن تماشا می

کرد. و او به من می گفت: من همیشه پورن تماشا می کنم! این موضوع مهمی نیست، در طول رابطه ما کارهای جنسی متفاوتی که او می خواست انجام بدهم، برای من بدتر و بدتر و سوء استفاده گرانه و ترسناک شد، فقط یادم می آید که او در مورد اینکه می خواهد کارهای خاصی را که در پورن می دید انجام بدهم بامن صحبت می کرد و می گفت یکی از چیزهای مورد علاقه اش در مورد پورن این است که چگونه در پایان برخی از هاردکورها یک پسر یک دختر را با مشت می زند در بینی اش و پایان روی صورتش است، و من می گفتم این کار را با من نکن، تو نمی توانی این کار را با من کنی! و او به من می گفت: من برایت نمی گویم که چه آن این کار را با تو خواهیم کرد، این فقط یک غافلگیری خواهد بود. لازم نیست از قبل در موردش فکر کنی؛ و من فقط می ترسیدم. من واقعا ترسیده بودم، من نمی خواستم آن کار برایم اتفاق بیفتد، و این زمانی بود که از او جدا شدم، واقعا احساس می کردم که من شیئی برای لذت بردن او هستم و هر چیزی را که او می خواهد برایش مدیون هستم. کل موضوع اینست که او پسر خوبی بود، که شروع به تماشای فیلم های پورن کرده بود و باعث شده بود که به نوعی فکر کند این کارش بد نیست که با مشت به بینی دوست دخترش بزند و روی صورت او تمام کند. در مقطعی او نمی توانست به زنان به عنوان انسان نگاه کند به خاطر این که پورن کل ذهن او را به هم ریخته بود و تمام تفکر او را منحرف کرده بود.

در یک مطالعه که در ۲۰۰۰ از صحنه های پورن دگر جنس گرا به عمل آمد، ۳۵ تا ۴۵ درصد آن ها شامل اعمال جنسی به شدت خشونت بار و تهاجمی بر علیه زنان بوده است.

دان مک فسرسون (DON MCPHERSON) مربی و بازی کن سابق نوک حمله NFL

یک چیز بسیار خطرناک در فرهنگ ما در حال حاضر وجود دارد که در آن ما به اندازه کافی قوی یا پُر جنب و جوش با پسران جوان در مورد زندگی جنسی آن ها صحبت نمی کنیم، در غیاب بزرگسالان گفتگوهای معنادار، مداوم باز و صادقانه با جوانان در مورد رفتار جنسی، بدن آن ها، صمیمیت، احترام گذاشتن به خود، فقدان این مکالمات، امکان ارائه یک طرفه بودن و خطرات این یک طرفه بودن رفتار جنسی را فراهم می کند. چیزی که آن ها به آن دسترسی دارند در اغلب موارد پورنوگرافی است.

کارولین هلدمن (CAROLINE HELDMAN) مدیر اجرایی!

اکنون می دانیم که پسران در ۱۱ سالگی به پورنوگرافی دسترسی پیدا می کنند، و مصرف هرزه نگاری از سوی دختران رو به افزایش است، بنابراین اگر این طور به آن فکر کنید که پورنوگرافی بزرگترین آموزش دهنده جنسی است، این مهم ترین و تاثیر گذار ترین مربی جنسی است که جوانان امروز دارند. بنابر این ما باید ببینیم که آنها از این موضوع چی می آموزند.

گیل دنیس (GAIL DINES) نویسنده کتاب سرزمین پورن!

وقتی یک پسر ۱۲ ساله (پورن) را در گوگل جستجو می کند، بلا فاصله به سایت های پورن تیوب مانند (یو پورن) و (پورن هوب) هدایت می شود، و در واقع در دسترس ترین آن ها (پورن گونزو) نامیده می شود این اصطلاح مختصر برای پورن خشونت آمیز است که هیچ خط داستانی ندارد، اگر می خواهید فیلم های پورن نرم تر و خشونت کمتری داشته باشید، ۱۰ تا ۱۵ دقیقه دنبال آن بگردید و به من نگوید که یک پسر ۱۲، ۱۳ ساله معمولی برای ۱۰، ۱۵ دقیقه شروع به جستجوی آن می کند، او به سمتی می رود که در دسترس ترین است.

سات جهالی (SUT JHALLY) بنیانگذار، بنیاد آموزش رسانه یی!

محبوب ترین پورنوگرافی، همیشه در مورد نحوه رضایت مردان است، خیلی خیلی به ندرت در مورد لذت زنان است. زنان صرفاً په عنوان ابزاری در آن جا هستند، آن ها به سادگی به عنوان ابزار به معنای واقعی کلمه برای لذت مردان هستند.

رابرت جنسن (ROBERT JENSEN) نویسنده کتاب پورنوگرافی و پایان مردانگی!

تصاویری که مشاهده می شود در مورد جنسیت آمیخته به سلطه و تمایلات جنسی پرخاشگرانه است، جنسیت که زنان را عینیت می بخشد و با آن ها به عنوان چیزی همانند اشیای لذت مردانه یاد می کند.

جین کلبرن (JEAN KILBOURNE) نویسنده کتاب چقدر سکسی پس بجنب!

همه چیز اینست که کاری که با آن (زن) انجام دهید، و نه اینکه چیزی را به عنوان (عشق) با او تقسیم کنید. بیشتر فیلم های پورن به زن های ختم می شود که نه تنها قربانی خشونت معرفی می شوند، بلکه به عنوان قربانیان خشونتی معرفی می شوند که آن را دوست دارند.

بنابر این دختران یاد می گیرند که سازگار باشند و یاد می گیرند که آنچه مهم تر است، اینست که برای پسر ها مطلوب تر باشند و اینکه عاملیت جنسی خودشان و یا لذت جنسی خودشان اصلا مهم نیست. هرکاری که می خواهید با او (خانم) انجام دهید هر چند تحقیر آمیز، خشونت آمیز؛ او می گوید بلی! بنابر این کاری که شما انجام می دهید اینست که مردان را شرطی کنید، تا اینکه فکر کنند زنان به هر چیزی رضایت می دهند.

این یک تجربه بسیار خطرناک و یکطرفه، بی عاطفگی را به انسان آموزش می دهد، که بسیاری از مردان جوان آن را عادی می دانند.

دیزی کولمن، دانشجوی سال اول مکتب ۱۴ ساله می گوید: میتیو بارنت در حالی که بی هوش بوده به او تجاوز جنسی کرده، بارنت بعد ها ادعا کرد که این برخورد توافقی بوده.

مدیسون اسمیت ۲۲ ساله می گوید: که این برخورد با رابطه جنسی توافقی شروع شد، اما وقتی او شروع به خفه کردن و مجبور کردن او به انجام یک عمل جنسی کرد، همه چیز به خشونت تبدیل شد.

دو ستاره فوتبال که شاگردان مکتب نیز بودند، به یک دختر ۱۶ ساله به طرز مشهودی تجاوز کردند، در طول جنایت بسیاری از آن ها کمکی نکردند، اما تقریباً همه تلفن های خود را بیرون آوردند و شروع به گرفتن عکس و توییت کردند.

- ✓ (خبرنگار مرد) طی پنج روز، ۴۴۴ کودک را برای تجاوز جنسی دید.
- ✓ تقریباً نیم از مجرمان ما خورد سال بودند. نق زدن، خفه کردن، وقتی کودکی با آن خشونت شدید رفتار می کند، باید بخشی بزرگ آن را در پورنوگرافی ببیند. زیرا مستقیماً با ژانر های که اطفال در معرض آن قرار می گیرند؛ ارتباط دارند.

جیم کلمنت (JIM CLEMENTE) آنالیزر باز نشسته FBI و بازرسی ویژه!

و شروع به گرفتن عکس و توییت کردند، در حال حاضر من تعدادی زیادی از این موارد را دیده ام که واقعا در آن کار کرده ام، که در آن بچه های که خیلی زود با مسائل جنسی آشنا می شوند، واقعا په مسیر شهوت رانی جنسی خودش کشیده می شوند، زیرا آن ها ممانعت یا آگاهی از اعمال جنسی ندارند و نمی دانند که واقعا آن چیست؟ حالا شاید آن ها برای رهایی از آن، خود کنترولی داشته باشند؛ اما هر چی زمان بیشتری را صرف تقویت این الگوی برهم برانگیختگی کنند، به خصوص اگر در حال تماشای پورن خشونت آمیز باشند، آه خدای من این بدترین چیزی است که می توانند به آن های نگاه کنند! زیرا کاری که انجام می دهند، سیستم مغزی آن ها را به هم می ریزد و باعث می شود که احساس واقعا خوب نسبت به این چیزها داشته باشند و این رفتار ها را در مغز آن ها توجیه پذیر می کند. و وقتی آن ها این راه را طی می کنند، بعد از مدتی متوجه می شوند که؛ اراده برای جلوگیری از انجام آن ندارند! و این می تواند آن هار شگفت زده کند که چقدر سریع ممکن است که این اتفاق برای شان بیفتد.

بنا به تجزیه و تحلیل مطالعاتی از ۷ کشور، استفاده از پورنوگرافی به طور قابل توجهی با افزایش خشونت فزینگی ارتباط دارد.

رابرت جنسن (ROBERT JENSEN) نویسنده کتاب پورنوگرافی و پایان مردانگی!

د دور های قبلی برای دریافت مطالب صریح جنسی باید به یک سینمای پورنوگرافیک می رفتید، یا باید به یک کتاب فروشی می رفتید؛ اکنون می توانید بدون هیچ هزینه ای از طریق اینترنت به پورنوگرافی نشسته در خانه دسترسی داشته باشید.

جین کلبرن (JEAN KILBOURNE) نویسنده کتاب چقدر سکسی پس بجنب!

اینترنت؛ پورن را نه تنها در دسترس قرار داده است، بلکه آن را واقعا اجتناب ناپذیر کرده است، زیرا اکنون البته همه، از جمله کودکان به پورن با تلفون هوشمند خود دسترسی دارند.

رابرت وایز (ROBERT WEISS) درمان گر اعتیاد جنسی!

هنگامی که دنیای آنلاین به وجود آمد، تغییر دهنده بازی بود. من از یک پزشک خصوصی با یک دستیار به کلینیکی با ۸ درمان گر و ۱۵۰ مراجعه کننده تبدیل شدم، منظورم این است که اینترنت ما را غرق کرده است. بسیاری از مردم به سرعت در رابطه با پورن آنلاین با مشکلات زیادی مواجه شدند. و این واقعا در ابتدا بود چون اکنون مردان ۲۵ ساله ای را می بینم که از ۱۵ سالگی به تماشای فیلم های پورن هارد کور می پردازند، و این در حالی است که هرگز با کسی قرار عاشقانه و یا رابطه جنسی نداشته اند، و پورن آنلاین واقعا آن را به گونه تغذیه می کند که پورن قبل از دیجیتال این کار را نمی کرد.

گری ویلسون (GARY WILSON) نویسنده کتاب (مغز شما در پورن)

د واقع مطالعاتی وجود دارد که نشان می دهد؛ همان تغییرات مغزی که در اعتیاد به مواد مخدر رخ می دهد، همان تغییرات در اعتیاد به پورن نیز رخ می دهد. بنابراین این به ما می گوید که اینترنت متفاوت است. آنچه متفاوت است، توانایی کنترل برانگیختگی است. بنابراین شما با موس خود در آن جا نشسته اید و روی عکس فیسبوک کلیک می کنید، من نمی خواهم به آن نگاه کنم، به این یکی می خواهم نگاه کنم، می خواهم بینم جورج مصروف چه کاری است. حوصله اش سر رفته، من می خواهم بینم این شخص چی کار می کند، اوه این پیام چطور است؟ می خواهم این پیام را بخوانم! و می توانید ادامه دهید و ادامه دهید، و کاری که انجام می دهید اینست که برانگیختگی خود را کنترل می کنید. شما دوپامین خود را کنترل می کنید! دوپامین ماده شیمیایی انگیزشی است که ما را به سمت پاداش طبیعی مانند خوردن و موفقیت و عاشق شدن و میل جنسی سوق می دهد.

دن الندر (DAN ALLENDER) روان شناس!

هنگامی که شما در حضور چیزی هیجان انگیز مانند تصاویر یا درام جنسی استید، مغز شما دو تا چهار برابر مقدار طبیعی دوپامین تولید می کند. جایی که ما کلمه (دوپ) را دریافت می کنیم، چیزی که مغز به عنوان داروی لذت خود ترشح می کند و به ما احساس انگیزه و شادی برای زندگی کردن می دهد.

دونالد هیلتون (DONALD HILTON, M.D) جراح اعصاب!

خوب غذا در حدود ۱۵۰ درصد دوپامین دارد، و رابطه جنسی ۲۰۰ درصد که معادل مورفین است. ارگاسم جنسی معادل یک مقدار زیادی مورفین است؛ این یک پاداش بسیار قدرتمند است با این حال نواحی جلویی روی پیشانی ما نیز وجود دارند، این ها در قضاوت و سنجیدن لذتی که می خواهیم، مهم هستند. بنابراین شما این مناطق رقابتی را دارید، شما این محرک دوپامینرژیک را دارید که می گوید: این کار را انجام دهید. با این نواحی جلویی مغزی که می گوید به آن فکر کنید، و زنش کنید و به نوعی در حال رقابت هستید.

در افراد جوان آن نواحی پیشانی به طور کامل توسعه نیافته اند و به این ترتیب آن شکست وجود ندارد.

نواحی ارادی قضاوت پیشانی ما تا زمانی که به اواسط تا اواخر دهه بیست ساله گی خود نرسیده ایم، توسعه نمی یابند. و بنابر این شما یک کودک هشت ساله با یک مغز توسعه نیافته دارید، که واقعا توانایی وزن کردن یا قضاوت کردن آنچه را که می بیند، ندارد که چه چیزی مضر است یا مضر نیست.

یا اگر در این فعالیت شرکت کند نتیجه اش چه خواهد بود؟ آن ها حتی نمی دانند چیست و بنابر این وقتی مغز کودک را پر از این تصاویر جنسی قدرتمند می کنیم، که این بار اضافی جسمی - عاطفی را فراهم می کند. کودک ناتوان است، برای آن ها کاملا غیر ممکن است که در برابر این محرک ها مقاومت کنند.

گری ویلسون (GARY WILSON) نویسنده کتاب (مغز شما در پورن)

حالا ما آن را با یک خانم جوان که هورمون های بالایی دارد و پر از علاقه و احساس است، ترکیب می کنیم، و سپس شما آن را با تازگی اینترنت ترکیب می کنید بنابراین همه این ویژه گی ها در کنار هم قرار می گیرند. و این همانند بالاترین پاداش طبیعی ما (در ژن های شما) مطابقت دارند. و این همان چیزی است که پورن را به واسطه اینترنت پر سرعت امروزی بسیار فریبنده می کند.

جاکوب (JACOB)

وقتی بزرگ شدم بسیار ضد اجتماعی بودم، هرگز واقعا دوستان زیادی نداشتم، من تا همین چند سال پیش هرگز دوست دختر نداشتم، بنابر این احساس می کردم چیزی را از دست داده ام. خیلی نا امید بودم. احساس می کردم مثل دیگران نیستم. وقتی حدود ۱۱، ۱۲ سال بودم چند مجله پورنو پیدا کردم با توجه به این که در خانواده ام در مورد تمایلات جنسی صحبتی نشده بود، بنابر این دیدن چنین چیزی فقط یک هجوم آدرنالین بود این حسی بود که فکر می کردم اگر دوست دختر داشته باشم، یا یک رابطه واقعی داشته باشم؛ نیازش را احساس می کردم و البته پیشرفت من با تکنولوژی بود، وقتی اینترنت آمد و اولین کامپیوتر مان را گرفتیم، وقتی کسی حواسش نبود مخفیانه وارد آنجا می شدم و به تماشای پورن ادامه می دادم. بعد از مدتی چیزهای که قبلا جواب میدادند، دیگر جواب نمی دادند. و یک تحمل یا تالورنس برایم

ایجاد شده بود بخاطر همین چیز های حساس تر و حساس تر را دنبال می کردم. چیز های که من اصلا تصور نمی کردم به آن ها نگاه کنم، سپس یک برنامه به اشتراک گذاری فایل پیدا کردم؛ که از آن برای دانلود موسیقی و موارد از این قبیل استفاده می کردم، و در آن جا به طور تصادفی پورنوگرافی غیر قانونی، پورن کودکان را پیدا کردم و دریافت آن بسیار آسان بود. به آسانی بدست آوردن وسایل معمولی بود. حدس می زخم کنجکاوی ام من را به آنجا کشاند بنابر این نمی توانستم باور کنم که می تواند به این راحتی باشد. بنابر این آن را به عجله دانلود کردم و دیدمش کار کرد! اما مثل هر چیز دیگری کار نمی کرد هر قدر که هر گاهی سعی می کردم از آن دور شوم، همیشه متوجه می شدم که به آن باز می گردم، با نگاه به گذشته ام این سفر تاریکی بود برایم تا زمانی که گرفتار نشدم با آن کنار نیامدم. من یک آتش نشان بودم و حدود یک سال پیش که در حال برگشتن به خانه بودم، ناگهان چراغ های آبی پشت سرم روشن شدند، مرا از کامیونم بیرون آوردند و برایم دست بند زدند و سوار موتر کردند. از نظر آسیب شناسی آیا شما یک پدوفیل بودید؟ نه! رسیدن به آن نقطه تمایل به دیدن یک کودک در یک عمل غیر جنسی را چگونه توضیح می دهید؟ خطرناک بودن آن بود. خطرناک بود و اشتباه بود و قسمتی از آن هم جذاب بود. چقدر اشتباه بود نمی دانم اما این چیزی بود که کار کرد. پورنوگرافی مثل هیروئین است.

ویلیام استاترز (WILLIAM STRUTHERS) نویسنده کتاب (تئیده شده در صمیمیت)

برای هر فرد مشخص نیست که نتیجه ی تماشای پورنوگرافی چه خواهد بود. این غیر معمول نیست، هر چه بیشتر به پورن نگاه کنید، بیشتر به چیزهای برخورد خواهید کرد و بنابر این ممکن است در ژانری از پورنوگرافی که ذاتا خشونت آمیز است، مانند پورن تجاوز جنسی غرق شوید. یا ممکن است به حوزه از پورنوگرافی همانند پورن کودکان یا چیزی شبیه به آن برخورد کنید. اکثر مردم شروع نمی کنند و نمی گویند « من می خواهم وارد این نوع خاص از پورن شوم یا این چیز است که من علاقه دارم » این همان فرایندی است که توسط شما اکنون در این موج برانگیختگی و هیجان جنسی گرفتار شده اید. و بنابر این آن چه اتفاق می افتد، اینست که وقتی در معرض چیزهای بیشتری قرار می گیرید این خطر را دارید که اکنون

بیشتر و بیشتر به این اشکال خطرناک و واقعا توهین آمیز پورنوگرافی یا اشکال غیرقانونی پورنوگرافی مقید شوید.

رابرت وایز (ROBERT WEISS) درمان گر اعتیاد جنسی!

اعتیاد جنسی اغلب در این مورد شدید است، بنابراین کسی می تواند شروع به دیدن تصاویر خشونت آمیز یا تصاویر توهین آمیزتر یا چیزهای کند که واقعا حتی فکر نمی کرد آن ها را ببیند. اگرچه ممکن است احساس شرم یا ناراحتی داشته باشید، اما همچنان شدید است. و باعث می شود ضربان قلب آن ها تندتر و سریع تر و سریع تر بزند. و این چیزی است که اعتیاد های غیر مواد در مورد آن هستند.

این ها (اعتیاد جنسی) در مورد آدرنالین هستند، آن ها (اعتیاد به مواد) در مورد اندورفین هستند.

آنها (اعتیاد جنسی) در مورد دوپامین هستند. این ها در مورد احساس بالا و هیجان هستند، و کاری که شما انجام می دهید به خاطر فرار عاطفی هستند.

ارنی آلن (ERNIE ALLEN) نماینده سابق!

چیزی که من بیش از همه به آن توجه دارم اثر پله برقی است و این است که تصاویر امروز، فردا شما را راضی نمی کند و تصاویر فردا، شما را روز بعدش راضی نمی کند؛ و یک جستجوی مداوم برای چیزی جدید و متفاوت وجود دارد. و در برخی مواقع، به دلیل تمایل اولیه فرد حد اقل وسوسه ای برای تجربه آن در زندگی واقعی وجود خواهد داشت.

بر اساس تجزیه و تحلیل های که بر روی ۱۲،۳۲۳ نفر از افراد به عمل آمد، که استفاده از پورنو احتمال خطر ابتلا به جرایم جنسی را افزایش می دهد.

ریچی (RICHEL)

سال اول مکتب من نه تنها در بین دختران، بلکه در کل مکتب محبوبیت زیادی داشتم. کمی از پورن و چیزهای که مسبب تحریک شدنم بودند، دور شده بودم؛ من از مکتب فارغ التحصیل شده و عاشق دختری که الان همسر من است، شده بودم. ما از این شهر به جای دیگری نقل مکان کردیم که در واقع خانواده ما و همه چیز هردو طرف خانواده هستند. در آن زمان بود که من از کنار خیابانی در شهر می گذشتم، و یک فروشگاه مربوط به بزرگ سالان در آنجا بود و به خودم می گفتم که من نمی خواهم آنجا بروم، بخاطر اینکه اگر به آنجا بروم، خیلی خوب به زیر کشیده می شوم. اما با اطمینان خاطر متوجه شدم که در را باز کردم و وارد شدم، این موضوع مربوط به قبل از آمدن مبایل های هوشمند بود؛ که مربوط به سال ۲۰۰۴ یا ۲۰۰۵ می شود. و بنابر این من فقط تا آن جای که می توانستم به فروشگاه بزرگسالان می رفتم. از آن جا بود که رابطه من با پورنوگرافی شروع به پیشروی کرد. در ابتدا یک دختر بود و بعد دو دختر شد، و سرانجام به عیاشی تبدیل شد. و بعد همه ای این رفتارها با اعضای خاص بدن! این فتیش ها بودند، و این من بودم که می گفتم « اوه واقعا این را دوست دارم » و به جایی رسید و مثل این بود، که من آن چیزی را که می دیدم، می بایست تجربه کنم. به خاطر اینکه چیزی که می دیدم به نظرم شگفت انگیز می آمد. آه این فقط یک کاغذ است، آه این فقط یک صفحه است، اما تمامی این ها روی تلفون من بودند. و همسر من هیچ کدام از این کارها را انجام نمی دهد، به هیچ وجه. او می خواهد بگوید، این ایده هارا از کجا می آوری؟ بنابر این من می گویم: از یک غریبه و یا هزینه آن ها « ایده ها » را پرداخت می کنم. من هزینه آن ها را پرداخت می کنم، و این تمام داستان است. یک شب همسر من به مراسمی در کلیسا به می رفت، بچه هایم پیش پدر و مادرم بودند، و من لپ تاپ خودم را داشتم. بنابر این من به « Craigslist » می روم و به خودم می گویم: این چیزهای شخصی این جا چیست؟ می توانم با کسی اینجا تماس بگیرم؟ من در حال حاضر آزادم که هر کاری می خواهم انجام بدهم و هیچ کس هم چیزی نمی فهمد. و من گفتم: الان زنگ می زنم! بنابر این من گفتم: سلام! بلی ما ماساژ می دهیم، « ماساژ برهنه » و من گفتم: اوه عالی است و بسیار خوب! من گفتم: کی می توانم بیایم؟ و آن خانم گفت: اگر می خواهی می توانی الان بیایی! من گفتم خیلی خوب الان می آیم. من به آن جا رفتم در حالی که او هم برهنه بود و من هم! می توانم به معنای واقعی کلمه حس کنم که قلبم در حال بیرون زدن از سینه ام است. دهانم

خشک می شود و انگشتانم می لرزند، و من می گویم این جا چه خبر! من چه غلطی می کنم! وقتی برایش فکر می کنم، شروع به فکر کردن کردم و به خودم می گفتم این چانس تو است؛ این چانس تو است که یک پورن ستار باشی! این جا جایی است که می توانید بگویید و از آن فرد هرچی را بخواهید برای تان انجام بدهد، چون پولش را دارید. وقتی همسرت می گفت: که من نمی خواهم آن کار را انجام بدهم. حالا این خانم این جا برایت انجام میدهد و من در ذهنم گفتم این خیلی درست است. و این بدترین رویای بود که تا حال دیده بودم، در حقیقت این رویای پورنو بود که در کودکی دیده بودم. بعد از به پایان رسیدن، او به حلقه ام نگاه کرد؛ و گفت تو و همسرت باهم چطور هستید؟ من برایش گفتم این یک موضوع پیچیده است، و برایش گفتم: میدانی من همسرم را دوست دارم! او گفت دوستش داری؟ من گفتم بلی دوستش دارم و باید بروم. پولم را به او دادم، آن جا را ترک کردم، سوار موترم شدم و گریه کردم.

و به خودم می گفتم باورم نمی شود که این کار را کردم. خدایا این امانت! آیا قرار است این را به کسی بگویم؟ واقعا ترسناک بود.

هتر «HEATHER» همسر ریچی!

ما را به همان لحظه ی که فهمیدید برگردانید، او به شما چی گفت؟

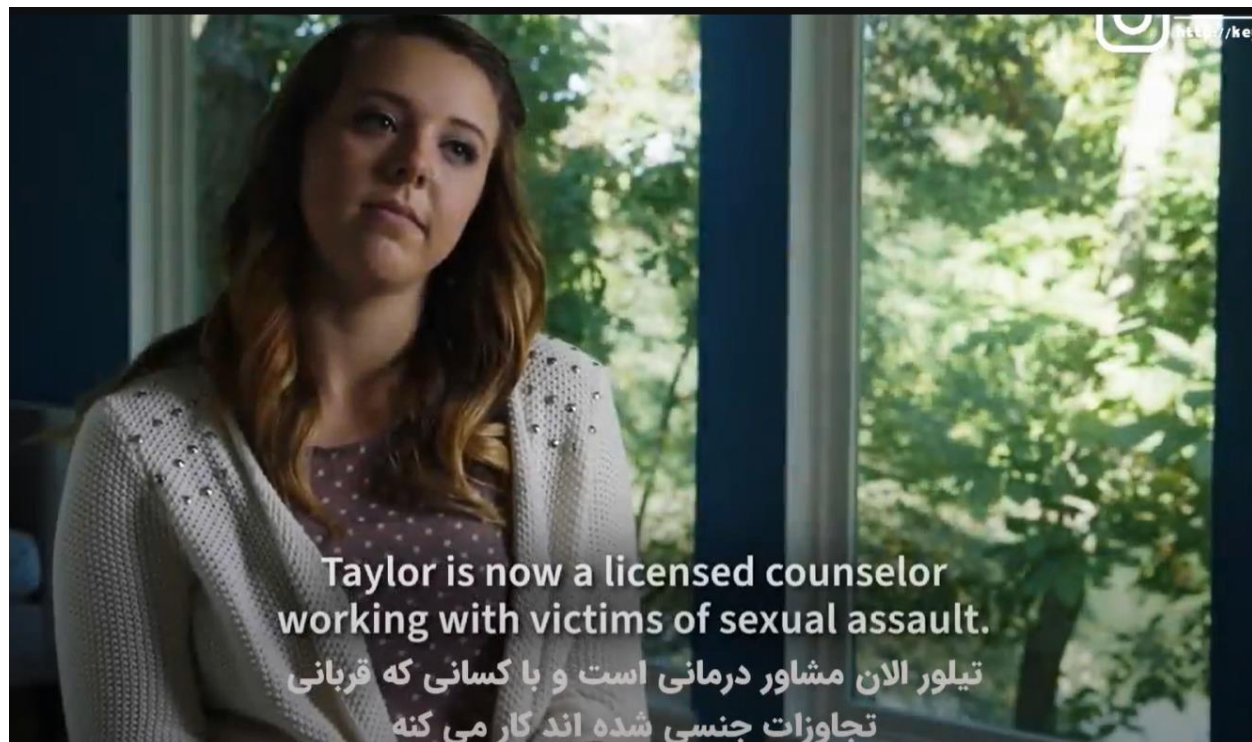
ما در رخت خواب دراز کشیده بودیم و او از من خواست تا عصبانی نشوم. او میخواست چیزی به من بگوید. او به من گفت قول بده که عصبانی نخواهی شد؟ من گفتم قول می دهم! و او دوباره گفت که قول بده که عصبانی نمی شوی؟ من گفتم بلی قول می دهم فقط برایم بگو. و او برایم تمام جریان را تعریف کرد. این شبیه مشتی بود که به قلبم خورد. او شروع به گریه کرد و من فقط او را در آغوش گرفتم. به خاطر اینکه بد بهم ریخته بودم. این خیلی سخت بود به خاطر این که من عشقم را نثار او کرده بودم. و احساس می کردم دیگر نمی خواهم با او باشم.

او گفت ریچی دوستت دارم، ولی نمی خواهم الان بینمت. باید بروی و در اتاق بچه ها بخوابی. من در اتاق پسرهایم بودم و آن ها به من می گفتند: چرا این جایی پدر؟ یادم می آید که گریه می کردم و به آن ها می گفتم که مادرتان را اذیت کردم و به خاطر همین اینجا با شما هستم. واقعا شکسته بودم فقط به یاد میارم که می گفتم مادر تان را اذیت کردم. و می شنیدم که به پسرهایم این را می گفتم، به دو پسر کوچکم. یک چیزی در قلبم زمانی که همسن آن ها بودم را به یاد می آوردم.



من نمی خواهم این برای بچه های خودم تکرار شود. این نمی تواند اتفاق بیفتد.
بعد از آن شب ریچی به دنبال کمک (درمان) رفت. خانواده او هنوز هم باهم هستند.





**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**